

# چرا داوود با دو واو صحیح است؟

شود. مانند داوود، چاووش، طاووس،  
ول خوردن...» (ص ۴۲)

## ۲۲۲۲۲۲۲۲ دو ۲۲۲۲۲۲۲۲

من اعتقاد بر این است که عامل  
اشتباهات نگارشی و تشبیه آن اشتباهات،  
اداراتی مانند ثبت احوال اند و کلی ما را به  
بیراهه برده اند و حتی در نظرات کارشناسان  
زبان و ادبیات فارسی تأثیر گذاشته اند.

من با این جمله موافق نیستم: «در مورد  
ضبط نام و نام خانوادگی افراد، منحصراً  
ملاک ضبط شناس نامه‌ی افراد است. حتی  
اگر از نظر املا و نگارش هم خالی از اشکال  
نباشد.» (راهنمای نگارش و ویرایش،  
ص ۲۱) حالا در مورد نام خانوادگی شاید قابل  
قبول باشد. برای مثال آن‌جا که اسم فامیلی  
کسی «آستاری» باشد و اشتباهاً نوشته شود  
«آستاری». این زیاد مهم نیست. برای این‌که  
کلمه‌ی جدید دارای معنای جدیدی ست، نه  
شکل دیگری از «آستاری». اما وقتی مثلاً  
«دستوری» نوشته می‌شود «دسطوری»، این  
مسلم است که غلط است و چرا باید چیزی که  
غلط ثبت شده استعمال شود؟

قبول می‌کنم که در مورد اسم فامیل وضع  
کمی دشوار است. برای مثال اگر جایی ثبت  
شده «چاوش زاده» و این اسم صد سال است  
که در شناس نامه و اسناد این خانواده آمده  
است. من هم این‌جا می‌گویم که ملاک  
شناس نامه است. اما زمانی که مسئول محترم  
ثبت احوال «یونس» را به غلط «یونص» ثبت  
می‌کند تکلیف چیست؟ به نظر می‌رسد

## \*\*\*\*\* صفر \*\*\*\*\*

زمانی در یک کنفرانس دانشگاهی و برای  
درس آئین نگارش فارسی - در اثبات واوهای  
داوود - این گونه به زبان ساده نوشتم:  
«... کلمه‌ای مثل «صابون»، بر وزن «داوود»  
را در نظر می‌گیریم و آن‌ها را با هم مقایسه  
می‌کنیم. «صا=دا» و «ن=د». از هر کدام از  
کلمات دو حرف می‌ماند، «بو» از صابون و  
«وو» از داوود. حالا او را از صابون حذف  
می‌کنیم و کلمه را به ضم «ب» می‌خوانیم:  
«صابُن». چیزی غیر از این نمی‌توانیم  
بخوانیم. به همین ترتیب از داوود «او» دوم  
را حذف می‌کنیم، داریم: «داوَد» یا «داوُد».  
حال وقتی واو‌ها را به این دو کلمه اضافه کنیم؛  
صد در صد با اولی متفاوت است. یعنی  
«صابن» چهار حرفی با «صابون» پنج حرفی  
یکی نیست و یک جور خوانده نمی‌شود و  
به طور یقین با هم فرق دارد. تفاوت این دو  
کلمه در همان «او» ای است که در یکی نوشته  
می‌شود و در دیگری نه. مخلص کلام این‌که  
مانمی‌توانیم بنویسیم «صابن» و بخوانیم  
«صابون». هم چنین است «داود» و «داوود».  
در این‌جا هم نمی‌توان نوشت «داود» و آن را با  
اشباع و به غلط خواند «داوود»!

## ۱۱۱۱۱۱ یک ۱۱۱۱۱۱۱

در کتاب «راهنمای درس املا و  
دستورالعمل تصحیح آن» در قسمت «حذف  
حرف» چنین آمده: «توضیح ۱- در کلماتی که  
واج صامت «و» (=v) با واج مصوت «ا» (=u)  
همراه است، باید هر دو حرف «و» نوشته

## چکیده

نویسنده‌ی محترم که نامش «داوود» است و آن  
را با یک واو غلط می‌داند، بخشی از کتاب راهنمای  
درس املا و دستورالعمل تصحیح آن را (تألیف حسین  
داودی، پائیز ۷۶) با تکیه بر دیدگاه خود نقد و بررسی  
کرده است.

گفتنی است در کتاب یاد شده به تدریس و آموزش  
املا‌ی مصوب کلمات (از جمله داوود) تأکید گردیده  
و تنها برای تصحیح املا - به خصوص اوراق امتحانی  
- به استناد مجوز سازمان پژوهش، اعلام شده است  
«گونه‌های دیگر» (از جمله داود) را غلط محسوب  
نکنند، تا حقی از آنان ضایع نشود، همین!

## کلید واژه‌ها

داوود، داود، رسم الخط، دواملائی،  
تصحیح املا

## داوود ملک زاده



کارشناس ارشد ادبیات فارسی و دبیر  
دبیرستان‌های آستارا



دارم که بعضی از کلمات دو املائی ست و آن‌ها در برخی اسناد و شناس نامه‌ها به دو صورت آمده‌اند. اما حرف این جاست که بالأخره از نظر علم زبان شناسی یکی از آن‌ها صحیح‌تر است. وقتی در کتاب‌های مختلف راهنمای آئین نگارش و ویرایش (دکتر یاحقی، دکتر کاخی، دکتر حرّمی، و دکتر شریعت) با دلیل ذکر شده که داوود با دو واو صحیح است، از این به بعد نوع صحیح آن را پیش نهاد کنیم. یعنی در زیر موارد دو املائی بنویسیم که داوود - با توجه به این دلایل - درست است و سعی کنیم آن را با دو واو بنویسیم. نه این که با وجود آگاهی از همه‌ی این مطالب نوع اشتباهش را استعمال کنیم.

استثنا: چون اسم‌های خاصی مانند «داود» و «چاوشی» در شناس نامه‌ها و متون و اسناد رسمی بایک «و» مضبوط و رایج شده‌اند به این شکل صحیح هستند و غلط محسوب نمی‌شوند. (موارد دو املائی) (راهنمای درس ۱، ص ۴۲)

توضیح بالا بسیار کامل و قابل قبول است. در واقع اگر درست فهمیده باشیم؛ منظور نویسنده این است که کلماتی مثل داوود، چاوش، طاووس و... بنا به علت‌های زبان شناسی - که علم محسوب می‌شود و سلیقه در آن راه ندارد - با دو واو صحیح‌اند، اما در ادامه گفته شده که چون بعضی از این اسم‌ها در شناس نامه‌ها و اسناد و متون قدیمی با یک واو آمده بنابراین جزو موارد دو املائی محسوب می‌شوند. در این صورت منظور نویسنده این است که مثلاً داوود اصلش با دو واو است، اما چون با یک واو هم نوشته شده؛ بنابراین اگر کسی به این صورت هم بنویسد؛ غلط نیست. حالا شما بگویید از این حرف‌ها چه دست‌گیرتان می‌شود؟ داوود با کدامش درست است؟ ساده است. با توجه به این که هر دو نوع نگارش این اسم مستعمل است و نظر به این که واج صامت «و» با واج مصوت «او» همراه

است؟ با اجازه‌ی شما من عرض می‌کنم، برای این که اسم مؤلف محترم داودی است آن هم با یک واو و چون شناس نامه‌ی ایشان چنین است بنابراین همین را ملاک قرار داده است. یعنی مصوت و صامت و زبان شناسی و شکل صحیح کلمه و مصوبه و این همه کارشناس کُشک، و نظر، نظر مسئول محترم ثبت احوال است که شاید در آن زمان در حد کلاس اکابر هم نخوانده است! معذرت می‌خواهم که به این شکل حرف می‌زنم. اما خیلی درد دارد وقتی ببینیم این چیزها هم بازی شده‌اند. قسم می‌خورم اگر نام خانوادگی مؤلف محترم با دو واو ثبت می‌شد هیچ‌گاه این حرف را نمی‌زد.

من برای همه احترام قایلیم. اما تأکید می‌کنم که این جا دیگر سلیقه مطرح نیست. شاید در استفاده از شعر شاعران معاصر در کتاب‌های درسی سلیقه و اعمال نظر باشد - که هست - ولی این جور چیزها حساب دودوتا، چهارتاست.

قبول کنیم که بعضی وقت‌ها نمی‌خواهیم قبول کنیم!

سه

بعد از همه‌ی این حرف‌ها چه می‌خواهم بگویم و حرف حسابم چیست؟ من فقط این را می‌گویم که خیلی هم منطقی ست. قبول

ساده‌ترین راه، نوشتن یک درخواست برای اداره‌ی مذکور و اصلاح شناس نامه باشد. کاری که خود من انجام دادم. اسم من [داوود] در موقع صدور شناس نامه با یک واو نوشته شده بود. پیش رئیس ثبت احوال رفتم و پس از صحبت‌هایی چند، دفتر نام‌ها را باز کرد و دید که حق با من است و دستور اصلاحات را صادر کرد!

همین جا برای اداره‌ی محترم ثبت احوال پیش نهادی دارم. با توجه به این که قرار است در آینده شناس نامه‌ها به صورت کامپیوتری صادر شود؛ به یک مسئله هم توجه شود. برای جلوگیری از اشتباهاتی که در هنگام نوشتن و خواندن اسامی بعضی پیش می‌آید؛ شکل لاتین هر اسم هم نوشته شود تا از غلط‌های احتمالی جلوگیری شود. برای مثال اسمی مثل «شکری»، معلوم نیست که "shokri" است یا "shakari". یا «کرمی» (kermi, keremi, karami). یا همین اسم فامیلی من [ملک] که بارها به اشتباه به فتح «لام» تلفظ می‌شود. در حالی که صحیحش به کسر «لام» و به معنی پادشاه است.

اما شما فکر می‌کنید مؤلف محترم کتاب «راهنمای درس املا و...» چرا در ذیل موارد دو املائی گفته که داوود با یک واو نیز صحیح

است باید هر دو حرف نوشته شود؛ یعنی داوود و نه چیز دیگر.

آیا این درست است که ما با وجود دانستن صحت واژه، سراغ اشتباهش برویم و آن را ترویج کنیم؟ در حالی که سال‌های سال در کتاب‌های درسی داوود با دو واو نوشته شده و حتی در درس آئین نگارش سال اول دبیرستان (نظام قدیم، چاپ ۷۴، صص ۲۰۲ و ۲۰۳) به این صورت آمده است:

چنین ننویسیم	چنین بنویسیم
جرئت، هیئت	جرأت، هیأت
زکوة، صلوة	زکات، صلات
داود، طاوس، کاوس	داوود، طاووس، کاووس

حالا می‌بینیم که به جز مواردی چند، برعکس این نکته‌ها توصیه می‌شود. مگر زبان‌شناسی مدل لباس است که با گذر زمان تغییر کند؟ اگر چنین است در اسناد و متون قدیمی و حتی الآن در بسیاری موارد، حرف «به» را به کلمه‌ی بعد از آن می‌چسبانند و مثل حرف جر عربی (ب) با آن رفتار می‌کنند. آیا این هم باید به همین شکل باشد؟ آیا الآن هم ما باید بنویسیم «بنام خداوند جان و خرد» یا «به نام...»؟ و یا در گذشته «می» را وقتی به اول فعل می‌آوردند می‌نوشتند: «بشنو از نی چون حکایت میکنند» و بسیاری موارد شبیه به این. یا مثلاً کلماتی مثل «تقوا» و «شورا» که در گذشته به صورت «تقوی» و «شوری» نوشته می‌شده‌اند. شاید گفته شود مثال‌هایی که ذکر شد اسم خاص نبودند. اما در مورد

اسامی خاص هم مواردی هست. برای مثال اسم‌هایی که مرکب‌اند و در گذشته سر هم نوشته می‌شده و امروز جدا هستند، به عنوان مثال اسم «فتحعلیشاه» در تاریخ و اسناد با هم نوشته شده، در حالی که امروز در کتاب‌های درسی به صورت «فتح علی شاه» و یا «فتحعلی شاه» نوشته می‌شود، یا «گیلان شاه» (گیلان‌شاه) و موارد دیگر.

طبق اصول روان‌شناسی و جامعه‌شناسی خیلی از اندیشه‌ها و کرده‌های مادر حوزه‌های مختلف - در گذشته - اشتباه بوده که بعدها متوجه شده‌ایم و در پی جبران برآمده‌ایم. اگر ما هم فقط گذشته را ملاک قرار دهیم و صرفاً به این خاطر که چون پیشینیان به این سیاق رفتار می‌کردند عمل کنیم جای هیچ بحثی باقی نیست. اگر چنین باشد پس فرق بین ما اعراب جاهلی چیست؟ هنگامی که اسلام به وسیله‌ی حضرت محمد (ص) ظهور کرد و آن را به بت پرستان معرفی کرد این حرف‌ها را شنید که چون آبا و اجداد ما بت پرست بودند بنابراین ما نمی‌توانیم از رسم دیرینه‌مان دست برداریم و چنین شد که آن قوم «اعراب جاهلی» نام گرفتند. توجه به گذشته و سنت تا جایی ممکن و پذیرفتنی است که منجر به اشتباه و کج روی نشود.

#### چهار ۴۴۴۴۴۴

خواستیم نکته‌ی اصلی را در آخر بیاوریم که حرف پایانی من است. در جدول‌های پایان کتاب «راهنمای درس املا و...» ص ۷۹ «چنین آمده است:

ملاحظات	دو املائی	عناوین دو املائی
مصوبه: «معلم است، معلم اند»، گونه‌ی دیگر: «معلمست، معلمند» مصوبه: «بی‌علاقه»، گونه‌ی دیگر: «بی‌علاقه» مصوبه: «به‌خانه می‌رود»، گونه‌ی دیگر: «بخانه می‌رود» ...	هر دو صحیح است هر دو صحیح است هر دو صحیح است ...	الف - اتصال و انفصال اتصال و انفصال «است و اند» اتصال و انفصال «بی» اتصال و انفصال «به، می» ...
مصوبه: «مسئول، املائی فارسی، دانایی» گونه‌ی دیگر: «مسؤول، املاء فارسی، دانائی»	هر دو صحیح است	ب - تغییر حرف
مصوبه: «داوود، جست‌وجو» و... گونه‌ی دیگر: «داود، جستجو» و...	هر دو صحیح است	ج - حذف و اضافه

خواهش می‌کنم به این جدول کمی بیش‌تر دقت کنید. در این جدول به کلمات دواملائی اشاره شده است که اگر دانش‌آموز هر کدام از آن‌ها را بنویسد غلط محسوب نمی‌شود. این دو دسته از کلمات جدول، با دو عنوان «مصوبه» و «گونه‌ی دیگر»، از هم جدا شده‌اند. اجازه بدهید معنی مصوبه را روشن بیان کنیم، یعنی این که کلمه‌های دواملائی در کتاب‌های درسی به شکل مصوبه نوشته شده‌اند. یعنی در کتاب‌های درسی نوشته شده «معلم است، معلم اند، بی‌علاقه، به‌خانه می‌رود، مسئول، املائی فارسی، دانایی، جست‌وجو و...» اما تنها کلمه‌ای که «گونه‌ی دیگر» آن در کتاب‌های مورد استفاده قرار گرفته «داوود» است.

تمام حرف این مقاله هم همین است. این که همه‌ی مصوبه‌ها (اصول) درباره‌ی واژه‌های مختلف رعایت شده به جز داوود. صحبت این است که ما حداقل شکل مصوب این کلمات را در کتاب‌ها استفاده کنیم. حالا اگر کسی پیدا شد و «گونه‌ی دیگر» آن‌ها را استفاده کرد؛ غلط محسوب نمی‌شود، مطمئن باشید.

#### منابع و مأخذ

۱. احمدی، حسن و...، زبان و نگارش فارسی، انتشارات سمت، چاپ دهم، زمستان ۱۳۷۴
۲. حری، عباس، آیین نگارش علمی، دبیرخانه‌ی هیئت امنای کتاب‌خانه‌های عمومی کشور، چاپ دوم، ۱۳۸۰
۳. داودی، حسین، راهنمای درس املا و دستورالعمل تصحیح آن، انتشارات مدرسه، چاپ اول، پائیز ۱۳۷۶
۴. شریعت، محمدجواد، آیین نگارش، انتشارات اساطیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۵
۵. کاخی، مرتضی، شیوه‌ی نگارش، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۰
۶. یاحقی و محمدجعفر و...، راهنمای نگارش و ویرایش، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ هفدهم، ۱۳۸۰